تأملی در باب عنوان درایة الحديث

سید کاظم طباطبایی

علیه رضاید

چکیده:
ضرورت به کارگیری اصطلاحات و ادبیات بیکسان در عرصه علم اسلامی و بهویژه در حیدری‌شناسی، یکی از موضوعاتی است که دانشمندان مسلمان از آن غفلت کرده‌اند. در این میان، عنوان درایة الحديث با نام‌های گوناگونی نظیر «احوال الحديث»، «مصطلح الحديث» و «قواعد الحديث» شناخته شده است. این عناوین بیشتر در میان کتاب‌های عاشه رواج داشتند، و از این دیدگاه اصطلاح درایة الحديث را به کار گرفته‌اند. این اصطلاح به‌طور عمدی و دوگانه در مورد قرآن و علوم اسلامی به‌کار می‌رفت.

نخست اینکه موضوع علم درایة الحديث با توجه به اثر نگاشته شده در این علم چیست؟ کدام عنوان برای معرفی این علم مناسب تر است؟ یا این موضوع اصطلاح درایة الحديث، شهید نهایی است یا یک اصطلاح را از دیگران وام گرفته است؟ مقاله حاضر با هدف یافتن به نظرنده‌های فوق‌سامان یافته است و در تحلیل مدل‌ها و ترتیب‌های مفهومی این علم نشانیده است؛ شهید نهایی برخلاف آنچه مشهور است، وضع این عنوان تیست و در نهایت عنوان مناسب برای این علم را «مصطلح الحديث» معرفی می‌کند.

کلیدواژه‌ها:
علم الحديث(حیدری‌شناسی)، درایة الحديث، مصطلح الحديث، ژین، الین، رنگ، عقل Deutsche Universität zu Köln:

tabatabaei@um.ac.ir

rezadad@gmail.com

** دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

*** استاد دانشگاه فردوسی مشهد
درآمد

یک ترکیبی از مسائل علمی که در هر عرضه باید مورد توجه دانشمند در علم قرار گیرد. بهره‌گیری از دیدگاه و استللاتیکی یکسان است. در این تشخیص‌اتکند و دانش نیرویان آن حرکه‌نگرد. مسئله‌ای که در علوم و تجربی بدان توجه شده و معمولاً وجود دارد، اما در عصر علم انسانی و بهره‌برداری علمی اسلامی دانشمندان از آن غفلت کرده‌اند. این اثربخشی در حوزه حیدریه، یکی از مهم‌ترین شاخه‌ها در هندسه دانش‌های حیدریه، علم درایه الحاق است. این علم در گذشته زمان، توزیع بسیاری از نام‌های خویشانه و همراه با تغییرات تغییر و اختلاف نظر بوده است. صنفی که با نگاهی بر سیر تاریخی این علم در دانشجوی به طور عمدی بحدود تنهای مشهور بوده است: اصول الحاق، «مصطلح الحاق»، قواعد الحاق و درایه الحاقی(رک: فضلی، ص 1421، ص 9) و کتاب‌های مستقلی نیز بودن نام‌ها نگاشته شده است. (رک: ادامه مقاله) از لحاظ محتوای برخی این علم را ناظر بر سندهای، می‌توان ناظر بر متن حیدریه و قرارگیری متن و متن و من در توامان لحاظ تاریخی (رک: ادامه مقاله).

حال از عناوین تا موضوع این علم و مسائل موجود در آن، همه در گیر این تشنست آرامست؛ و برای آنکه حیدریه پژوه مراد از یک اصطلال را دریابد، باید ابتدا سوالات مطرح در ذهن خود را پاسخ کگی دیگری به جای آدنو چیست، و زوایای آن تا کجارست؛ مثل بلایا درایه حیدریه صحيح بگیم که حیدریه صحيح است کدام اصطلال؟ مطمئن با اصطلال اهل سنّت با معنا بین اصطلال شیعه با

متأخران آن؟ یا فرانت از آن حیدریه صحيح طبق تعريف کدام یک از دانشمندان!؟

این مقال، تا نقد عناوین درایه الحاق را می‌توان به نظر قرار داده و در صد استفاده با

به بررسی‌هایی از این قبل پاسخ گیران: این علم از چه زمان با عناوین درایه الحاق نامبردار

شد؟ وضع این اصطلاح چه کس بود؟ با وجود عناوینی چون علم الحاق، توزیع

الحاق، اصول الحاق و مصطلح الحاق، وضع به با کارگری این عنوان آن چه ضرورت

با مصطلحی بی‌یاری می‌کند؟ محتوای این علم با توجه به آثار نگاشته شده چیست؟ و در

نهایت کدام عنوان در معرفی این علم، با عناوین به محتوای آنار، شایسته است؟
درایه در لغت

درایه در لغت از مصدر «دری»، «یدری»، «درایه» به معنای عالی است. (ابن منصور، ۱۴۰۵ ق. ه. ص ۲۴۵) گروره که در این ماده است، به شک باشد. دانسته و لذا آن را اخیت از علم می‌دانند. (زیدی، ۱۳۱۴ ق. ه. ص ۴۰۳)

موضوع درایه الحديث

ماده «دری» در معنای لغوی آن در روایاتی نظر: «حذف تدریج خبر من آلف حديث» (ابن باویه، ۱۳۶۷ ش. ص ۲)، «فان المعرفة هي الدراسة للرواية وبالدرايات بعلو المؤمن إلى أقصى درجات الإيمان» (همان، ص ۱) و «علیكم بالدرايات لابلاروايات» (مجلسي، ۱۴۰۳ ق. ه. ص ۱۶۲) به یک رفته است.

این وازه در عصر حضور می‌باشد. در روایاتی به معنی عمیق روایت بوده و در مقابل روایت حديث که به معنای صرف نقل حديث بوده، به یک رفته است. این معنا از درایه الحديث، امروزه با عنوان «فقه الحديث» نامبرده گردیده و به معنا الگوی دانش و راهکارهایی است که به عمیق‌تر حديث کمک می‌کند. (رک: سیامی‌نیا، ۱۳۵۸ ش. ص ۵۵)

پس از گذار از عصر حضور، این اصطلاح بیشتر معطوف به سندشناخت شد و به عنوان علم مستقل در مجموعه دانش‌های حديث مورد توجه قرار گرفت. (رک: همان، ص ۵۵). زیرا تحقیق گام در ایجاد حديث مسئله بود. از این رو، علم درایه بیشتر به اصطلاحات متصل به سنن احکامی میراکخت.

از این رو، موضوع علم درایه با گذار از عصر می‌باشد. (ابن مرکز، ۱۴۰۳ ق. ه. ص ۵۴) اکرخی به نظر نظر، سنن حديث با نیاز شامل مصوب. (شهید نانونی، ۱۳۸۸ ش. ص ۴۵/ ص ۱۴۰۸ ق. ه. ص ۱۲۳/ ص ۴) در مقدم داوری میان این دو نظریه، شاید بتوان گفت که دیدگاه شیخ آقا زید، تهرانی، با غنایت به آثار تکه‌شناسانش شده در این فن، مقرر به صحبت باشد. زیرا چه بسا
در یک تقسیم‌بندی کلی تبوان مجموعه مساله مطرح در کتاب‌های درایی را این‌گونه سامان داد:
الف. اصطلاحات مقدماتی (مانند حديث، اثر، خبر):
ب. اصطلاحات مربوط به روات (مانند حافظ، شیخ، مولوی، مخضرم):
ج. اصطلاحات مربوط به روایت که دارای اقسام متفاوت است:
ا. اصطلاحات مربوط به یقین‌های روان و نبودن روایت (مانند خبر متفاوت، خبر واحد):
- تقسیم‌بندی بر اساس اوصاف راویان (مانند: حديث صحیح، حسن، موثق و ضعیف):
- تقسیم از نظر تعداد راویان (مانند: مستقیض، عزیز):
- تقسیم‌بندی از نظر ائتمال و انکلم سند (مانند مستقل، متصل، متعلق، متفق):
- تقسیم از نظر تشابه به علیه گویندگان (مانند: حديث قدسی، مرفوع، موقوف، مقطوع):
- تقسیم حديث بر اساس تغییراتی که در متن یا سندهای رخ داده است (مانند مدرج، مقلوب، مصحت، محترف، مشترک، موضوع):
- تقسیم بر مبنا تعداد واسطه‌ها با مقصود (مانند علی اکبر، نازل):
- تقسیم بر اساس سن راویان (رواية الأقران، مکتی، روایة الأکابر عن الأصحاب):
- تقسیم‌بندی از نظر تشابه نام راویان (مشترک، متفق، متفق، مشابه السند، مؤلف، مختلف):
- تقسیم بر اساس شهاب‌های بزرگ در سندهای حديث (مسلسل، مؤتمن، معنی):
- تقسیم بر اساس حالات وارد بر متن راویان (مانند: نص، ظاهر، مؤلم، مهم، ناسیخ، مشروط، محکم، مشابه، عادم، بیش، مطلق، متقید):
د. اصطلاحات مربوط به طرح تحلیل حديث (پرای آشنایی با گونه‌های دیگر از تقسیم‌بندی رک: مودب، سرسره اثر):
چنانکه ملاحظه می‌شود در بین تقسیم‌بندی‌های مطرح در کتاب‌های درایی، تنا یک قسم (تقسیم بر اساس حالات وارد بر متن روایت) به طور مستقیم مربوط به متن حديث
واضع اصطلاح درایه الحديث

بنابر آنچه مشهور است، نخستین کسی که در محافل علمی شبه، اصطلاح درایه را برای حديث شناسی به کار برد، شهید ثانی (در ۹۶۵ ق) است. (بحر عالمی، ج ۱، ص ۸۶) نخستین اثر وی در این زمینه، تشبه الفاصلین در معرفت اصطلاحات المحدثین است که البته در دسترس نیست. وی سپس کتاب الباشی را که نخستین کتاب شبه موجود در این علم به شمار می‌روید، تأیید کرد و خود شرحی با عنوان الرراعة بر آن نوشت.

البته بیش از این، جوهری از داشتندان علما، آثاری در این علم نگاشته بودند. نظیر المحدث الفاصل بین الراوی و الراوی اثر قاضی ابو محمد حسن بن عبدالرحمن راهموزی (در ۹۳۰ ق)، معرفت علوم الحديث با/اصول علم الحديث نکاتشته حاکم تیشابوری (در ۴۰۳ ق)، الكفایة في عقولين الرواية اثر خطيب بغدادی (در ۳۹۳ ق)، الیکسبی در مسطر الروایة و تنبیه التسامل (در ۴۰۲ ق)، قدوسی در نسخ الاصلاح في علوم الحديث اثر ابو غربو عثمان بن عبدالرحمن شهوری (در ۴۴۴ ق)، الیکسبی و التفسیر لمعرفة سنین البشیر الکبیر اثر یحیی بن شرف نووری (در ۳۷۶ ق)، الباعث الحدیث از...
60

دو قابلیت حديث بزه، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان 1391

ابوالقدصاء اسماعیل بن کبر (د 874 ق)، نخبه‌الفکر در مصلحت آهل‌الاثر نوشته‌ای هجر
عشقانی (د 909 ق) و تدریب الراوی اثر جلال‌الدین سیوی (د 991 ق).

اما چنان‌که مشهور است، ایشان نام کتاب خود را در ایام آن‌ها و در اثر خوشبینی
نیز به‌دین نام‌آوری‌های کردند.

آن‌چه امروزه سبب گشته تا شهید ثانی را واقع این اصطلاح یادنده، این است که نام
کتاب و رایا در علم العدیبیه گفته‌اند. توجه به این نکته بسیار راه‌گشاسته‌کننده می‌باشد.
عنوان دقب‌آهنگی‌است که مؤلف برگزیده به دیگران عنوان «الدبانیه» را برای کتاب
اختب و سپس «الفی علم العدیبیه» را به آن افزوده‌اند. آن‌طور که می‌دانیم در مورد مجموع
البان ملاحظه می‌شود، مؤلف در مقدمه به صراحت می‌گوید: «سمتی‌که کتاب مجموع البان
لعلوم القرآن (طبیسی، 1415 ق، ج 1، ص 35) اما روز جلد کتاب عنوان مجموع البان را
تفسیر القرآن را نوشتند!»

با این توضیح، حال برویش این است که آیا شهید ثانی خود ایشان را چنین نام نهاده
است؟ آیا بپیش از شهید ثانی کسی این اصطلاح را در خصوص این علم به کار برده
است؟ و دیگر یکی از این اصطلاح جه کسی است؟

در این خصوص، آن‌چه مسلم است این‌که بر خلاف نظریه مشهور، شهید ثانی این
اصطلاح را وضع نکرد. برخی دلایلی که در این خصوص می‌توان بیان کرده‌اند:

عبارت‌اند از:

1. پیش از شهید ثانی، علی بن عبدالرحیم حسینی نجفی، شاگرد علماه حلقه و این
فهید حلقه در قرن هشتم، کتاب شرح اصول درایه‌الحدید را نوشت‌ه است (آقا بزرگ
تهرانی، 1415 ق، ج 13، ص 94).

2. پس از وی، نورالدین علی بن حسین کرکی (د 940 ق) کتاب‌ها با عنوان درایه
الحدید نوشت (همان، ج 8، ص 55).

3. شهید ثانی پیش از البدا، کتاب غنیه الفقادیان در معرفی اصطلاحات
المحدثین را نگاشته است و در واقع این علم را به‌همان عنوان مصطلح الحديث
معرفی کرده است.
تأمل در پایه عنوان درایه الحدیث

۴. ظاهرًا شهید ثانی، اسمی برای کتاب البداية در نظر گرفته است (عبدالعالیزاده، ۱۴۲۸ ص. ۱۱۲); اگرچه شاید نتوان گفت شهید ثانی با عبارت «نحاید اللهم علی البداية والرواية، و نسأل حسن الرعایة إلى النهاية» (۱۴۲۱ص. ۱۱۲) و نیز

«نحاید اللهم علی حسن توفیق البداية في علم الدرایة والرواية» (۱۴۰۸ص. ۴۵) بیان کرد. البته با روایت را تنها از نظر کشیده به کار پرده است و ظاهرًا هم‌مان داشته است که در احادیث همراه یکدیگر به کار رفته است، بنابراین

برخلاف آنچه شهید ثانی، عنوان کتاب البداية در علم الدرایه نیست.

تنها در نسخه خطی موجود در کتابخانه استان قم رضوی به شماره ۱۷۳۲۵ به

خط شهید ثانی نام کتاب سوم وی در علم درایه چنین اظهار است: الرعایه لحاظ البداية،

در علم الدرایه (عبدالعالیزاده، ۱۴۲۱ص. ۱۱۲) نیز فرزند شهید ثانی در معاویه السدین،

کتاب الرعایه را در علم درایه معرفی کرده است (پ. تا. ص. ۱۷۳).

۶. شهید ثانی الرعایه را که شرحی بر البداية بوده، در سال ۹۶۹ هجری قمری تمام

کرده است (۱۴۰۸ص. ۱۴۰۴); بنابراین به احتمال زیاد، محقق کرکی پیش از شهید ثانی،

عنوان درایه الحدیث را به کار برده است، زیرا همان گونه که گفتم، محقق کرکی

متفاوت سال ۹۶۰ هجری قمری است، و شهید در سال ۹۳۳ هجری قمری شاگردی

محقق کرکی را می‌کرد است (شهید ثانی، ۱۴۰۴ص. ۷۳).

اگر نگاهی به کتابهای آتار شهید ثانی یافته و درس خوانده باشیم،

رعایه جزء آخرين تأثیرات وی به

شمار می‌روید. برای تاریخ تصمیم‌گیری از نگارش برخی از آثار او، که خوده آنها

اشتار کرده، عبارتند از: الاقتصادیر، و الابشر، از طریق الاجتهاد در معرفی البداية ولحاظ

و/أحکام العدیل ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)، و/أحکام الغیر ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹).

و/أحکام العدیل ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)، و/أحکام الغیر ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)

و/أحکام العدیل ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)، و/أحکام الغیر ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)

و/أحکام العدیل ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)، و/أحکام الغیر ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)

و/أحکام العدیل ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)، و/أحکام الغیر ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹).

و/أحکام العدیل ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)، و/أحکام الغیر ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)

و/أحکام العدیل ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)، و/أحکام الغیر ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹).

و/أحکام العدیل ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)، و/أحکام الغیر ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)

و/أحکام العدیل ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)، و/أحکام الغیر ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)

و/أحکام العدیل ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)، و/أحکام الغیر ص ۵۴۱ ق (۱۴۰۶ص. ۲۵۰۹)
۷، هنگامی که شهید ثانی می‌نویسد: "به‌طور خاص: متغیر نمای‌های اصلی در تفسیر شرایط اسلام سال ۸۵۹ ق. است. اگر این اصطلاح مسبوق به سابقه نبود، برای خواندن درک آن مفهوم امکان ندارد. بنابراین توضیحی برای این اصطلاح مطرح می‌کرد. بنابراین جمله‌ای که در دنباله این عبارت آمده، بیان مصطلح‌های(همانجا) است باید با هم تأکید بر مصطلحات حديث است.

۸ به نظر مرسد، مسیرانی با توجه به تعریفی که در متنی مطرحی از روایت و درایت حديث کرده، عنوان درایت الحدیث را درباره متن حديث در نظر گرفته است، اگرچه به نظر صد حديث نیز برای دریافت بهتر متن مورد نظر قرار می‌گیرد. عبارت شهید چین است: "آموز علم الحدیث: مهم آموز علم حکایات و قوانین و مبانی... و هو مضربان: روایی و درایی، فلسفی. والناز: هو مسیر بعلم الحدیث عند الاطلاق، و هو علم به عرف به معنای ما ذکر، و منظوره و طرحه و صحیحه و نسبیه، و ما يحتاج إليه من شروط الروایة. و أصناف المرويات، لابغ الحموم منه والمفرد، ليعمل به أو يجتنب. و هو أفضل العلمین، فإن الغرض الذای منهما هو العمل، والدرایة هي السبب القريب له و(۱۴۰۹ ق. ص۷۹۰).

اما بعد از وا، عالمان دیگر با عنایت به آثار مختلف شهید ثانی در این علم، و عاتیت ویرز وی در این آثار به مقوله سنتشناسی، این اصطلاح را برای ارزیابی سند حديث به کار بردن. همچنان که شیخ بهایی در تعریف درایت الحدیث آورده است: "هو علم پیهاد فيه عن سند الحدیث و منه و کيفیته تحمله و آداب نقله(۱۳۳۱ ق. ص۴).

۹ حاج حسینی(۱۰۶۵ ق.) در كشف الظنون از علوم حدیث، دو علم روایت الحدیث و علم درایت الحدیث را نام برد، و سپس این دو علم را شامل فروغاتی دانسته است.

(بی تان، ص۱۲۱) پس شاید این اصطلاح برگرفته از ممنوع عامیانه باشد.
همان. (ص 91)

پس احتمال اینکه این اصطلاح در بین اهل سنت قبلًا وضع شده باشد، و سپس شهید تانی از باب مخالفت و تمایز با اهل سنت اصطلاحی را به کار گرفته باشد، که
بلاک

همان‌جوانه، می‌باشد. شاهد دیگر بر این مدعای کتاب الفقهی در سیویی (م 911 ق)

است. (آقا بزرگ تهرانی، ب.تا، ص 19)

 ضمن آنکه همان‌گونه که فرزند شهید تانی (1363 ش، ج 1، ص 10) و برخی دیگر از
دانشمندان (حرامی افاملی، 1362 ق، ج 1، ص 6) اشاره کرده‌اند، اصطلاحات کتاب‌های
دراپی شهید تانی مأثراً از اصطلاحات عاطفه است. لذا احتمال به کار گیری اصطلاح
دراپی برای این علم که بیش از آن از سوی دانشمندان عاطفه به کار گرفته شده اما شهرت
نیافت، قوت می‌یابد.

11. بر فرض آنکه پذیرفتم شهید تانی واضح این اصطلاح است، گویا وی با به
کارگیری این وازه برای علم مصطلح الحديث، می‌خواسته بیان کند حدث درخور
دراپی، حدثی است که این ویژگی‌ها را در بیر داشته باشد، زیرا حدثی که این
ویژگی‌ها را دارا ناشده، به‌همان‌گونه که درایت نخواهند بود و شهید با بیان عبارت «و یا مبید
روایت حدث ضعیف یا مشکوک» در صحبت غیر اساس می‌قول: روى یا بلغا و نحوه...

۱۰۸ (ص 12۵) حدث ضعیف را تنها به‌همان‌گونه که درایت دانسته است. در واقع,
شهید تانی از وضع این اصطلاح، غایت را که همان‌گونه که درایت، در نظر داشته
است. به قول عبدالحسین فضلی، درایت در مقابل روایت قرار گرفته است؛ بعدها تنظیم
که روایت مجرد نقل حدث است، در حالی که درایت، بررسی نقدی حدث است. نا
از این رهگذر معلوم شود که آیا حدث از مقصود صادر شده است یا خیر (1421 ق،
ص 10). ضمن آنکه اگر با نگاه فقه الحديثی، مجموعه‌ای از روایت‌های خانواده را در نظر
نگرفته‌ام.
نتیجه‌گیری
اینگیپ از بررسی منابع به این نتیجه می‌رسیم که:
الف. موضوع علم درایه‌ای حديث اختصاص به سندهای حديث دارد و منحنی حديث
را یک‌پای در چهارهای حديث مورد بررسی قرار داد؛ اگرچه غایت بررسی سندها می‌توان
دستیابی به منحنی حديث به شمار آورد.
ب. مکتب شهید ثانی، نخستین مکتب نیست که از این علم با عنوان درایه‌سخن
گفتگو است، پس چگونه این موضوع که از این علم با عنوان درایه سخن
برداشته و شهید ثانی که نزد ایشان تلمذ کرد. این مطالب را از آن برگرفته باشد، اما
چون آثار دیگر عالمان در این زمینه از میان رفته، وضع این اصطلاح را شهید ثانی
معرفی کنند. ضمن آنکه همان‌گونه که اصطلاحات علم درایه در منابع عاشق آسماه و
پسیاری از آنها مانند از آثار ایشان است، چه با خود اصطلاح درایه‌ای حديث هم
عنوان‌هاش را از آثار آنان اقتباس شده باشد.

ج. با عاینی به محتوای آثار نگاشته شده در درایه‌ای حديث و تزبند شهید ثانی از
به کارگیری این وازه، می‌توانسته است این علم با عنوان «اصطلاح حديثی» معرفی
شود. ضمن آنکه معرفی این علم با عنوان درایه‌ای حديث با این مشکل روبروست که
به روشی با قبیح الیس خلالPokemon و انتشار می‌شود. لذا این تالیف کرد عنوانی که مناسب‌تر
است نشانه‌اش و شناسانده شود تا علم و معلول از سردرگمی در این عرصه رهایی یابد.

منابع
1. آقا برگه تهرانی، محمدرضا(1385-1348)؛ المدرسه به ترتیب الشیعه: الطبعة الثامنة،
بیروت: دارالاضواء، 1403 ق.
2. ———؛ ذیل کشف الفنون: ترتیب و تهیه‌های محمد مهدی سید حسن موسوی خرمان،
بیروت: داراییه التراث العربي، بي.ت.ا.
تأملى في باب عنوان درایة الحديث

1. ابن باوي، محمد بن علي (111-398هـ): مختصر الأحاديث، تأليف: مؤسسة النشر الإسلامي.

2. ابن شهير، أحمد بن حسن (670-740هـ): مختصر الأحاديث، تأليف: مؤسسة النشر الإسلامي.

3. ابن سعد، أبو العطاء، أحمد بن محمد: مختصر الأحاديث، تأليف: مؤسسة النشر الإسلامي.

4. ابن ربيعة، أبو الطيب: مختصر الأحاديث، تأليف: مؤسسة النشر الإسلامي.

5. ابن كثير، أبو عبد الله: مختصر الأحاديث، تأليف: مؤسسة النشر الإسلامي.

6. ابن الأثير، أحمد بن محمد: مختصر الأحاديث، تأليف: مؤسسة النشر الإسلامي.

7. ابن حجر، محمد بن عبد الله: مختصر الأحاديث، تأليف: مؤسسة النشر الإسلامي.

8. ابن خزيمة، أبو الطيب: مختصر الأحاديث، تأليف: مؤسسة النشر الإسلامي.

9. ابن ماجه، أبو الطيب: مختصر الأحاديث، تأليف: مؤسسة النشر الإسلامي.

10. ابن تيمية، محمد بن عبد الله: مختصر الأحاديث، تأليف: مؤسسة النشر الإسلامي.


12. السعد، آدم: مختصر الأحاديث، تأليف: مؤسسة النشر الإسلامي.

13. السعد، علي: مختصر الأحاديث، تأليف: مؤسسة النشر الإسلامي.

14. السعد، محمد: مختصر الأحاديث، تأليف: مؤسسة النشر الإسلامي.

15. السعد، علي: مختصر الأحاديث، تأليف: مؤسسة النشر الإسلامي.

16. السعد، محمد: مختصر الأحاديث، تأليف: مؤسسة النشر الإسلامي.
66
دو فصلنامه حدیث‌یزدی، سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۱

۱۷ 
الروضة النهیة، در شرح اللمعه الدمشقیة، ج ۱، قم: داروی، ۱۴۱۰ ق.

۱۸ 
کشف الریة عن احكم العیة: در مجموعه رسائل الشهید الثانی، با هم‌ان مشخصات.

۱۹ 
مسالک الأفهام إلى تنفيذ شرایع الإسلام: الطبعه الأولى، قم: مؤسسه المعرفه الاسلامیة، ۱۴۱۶ ق.

۲۰ 
مکتب الاعلام الإسلامی، قم: مسکن القدرین، ۱۴۶۷ ق.

۲۱ 
منیه الحیة، در مجموعه رسائل الشهید الثانی، با هم‌ان مشخصات.

۲۲ 
میراث الزوجة: در مجموعه رسائل الشهید الثانی، با هم‌ان مشخصات.

۲۳ 
نتایج الأفكار في حكم الفقه: در مجموعه رسائل با هم‌ان مشخصات.

۲۴ 
ورجع صلاة الجماعة: در هم‌ان مجموعه با هم‌ان مشخصات.

۲۵ 

۲۶ 

۲۷ 
عبدالعالزاده، علی اوسط: مقدمه البداية: در مجموعه رسائل در دراية الحدیث، تألیف ابوالفضل حافظیان بابی، الطبعة الأولى، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۴ ق.

۲۸ 

۲۹ 
فضالی، عبدالناصری: اصول الحدیث: الطبعة الثالثة، بیروت: مؤسسه امر قریة للتحقیق و النشر، ۱۴۲۱ ق.

۳۰ 
مجلسه محمدباقر بن محمدتقی (۳۷۹–۱۳۱۱ ق): بحار الادبیات الجامعة الدعری/ابخار الامام.

۳۱ 
الاطراف: الطبعة الثانية، بیروت: مؤسسه الوفاء، دار احياء التراتب العربي، ۱۴۰۳ ق.

۳۲ 
محمد رضا شهبازی، محمد: میران الامام: الطبعة الأولى، قم: دارالحدیث، ۱۴۱۶ ق.

۳۳ 
مؤدب، رضا: علم الادبیات تطبیقی: بررسی تطبیقی اصطلاحات حدیدی شیعه و اهل سنت: ترجمه انور رضایی، قم: مکتب جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ ق.